

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Investigation of the Old City Wall of Tabriz from Historical Sources
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بررسی محدوده باروی قدیم شهر تبریز با استفاده از منابع تاریخی

ساناز جعفرپور ناصر*

۱. پژوهشگر دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۰ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۴ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۵/۰۱

چکیده

با پایتخت شدن تبریز در دوره ایلخانان (حک: ۷۳۶-۶۵۳ ه.ق.)، شهر به ناگاه با مهاجرت گسترده توده‌های مردمی مواجه شد. به نحوی که طی مدت کوتاهی در محدوده بیرونی هر یک از دروازه‌های باروی شهر، محلاتی متعدد برابر با وسعت شهر قدیم شکل گرفتند. این امر تبیین موقعیت اراضی در ناحیه ریح و شارستان را از لحاظ مالکیت هم‌ارز کرد، چنان‌که در اسناد و مدارک ثبتی مانند وقف‌نامه‌ها به وفور با اصطلاحاتی همچون محلات درونی و بیرونی، و یا داخل شهر و خارج شهر روبرو می‌شویم. از آنجا که محدوده باروی قدیم به عنوان معیاری جهت تفکیک موضع محلات و تعیین حدود شهر قدیم به کار رفته است، تدقیق در محدوده باروی قدیم تبریز (احداث: ۴۳۵ ه.ق.) عاملی تأثیرگذار در شناخت روند توسعه کالبدی شهر تاریخی قلمداد می‌شود. از این‌رو تحقیق حاضر سعی دارد با شناسایی حریم باروی قدیم، تعداد و محل دروازه‌های تاریخی آن، نظام ساختاری شهر تبریز طی قرون میانه اسلامی را مورد بازخوانی قرار دهد. از طرفی، با توجه به آنکه نقشه دارالسلطنه تبریز (ترسیم: ۱۲۹۷ ه.ق.) نشانگر موضع دروازه‌های نه‌گانه باروی نجف‌قلیخانی است، این سؤال مطرح می‌شود که محدوده باروی قدیم تبریز نسبت به باروی اخیر شهر که پس از زمین‌لرزه ۱۱۹۴ ه.ق. برپا گشته در چه موقعیتی واقع بوده است؟ بر این اساس با بهره‌گیری از منابع تاریخی، نام و تعداد دروازه‌ها و محل استقرار هر یک به طور جداگانه مورد مطالعه قرار گرفت، سپس داده‌های به‌دست آمده با اطلاعات حاصله از نقشه دارالسلطنه به منظور تعیین موقعیت مکانی دروازه‌های باروی قدیم انطباق داده شد. جهت نیل به اهداف پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی برای داده‌اندوزی استفاده شده است. منابع گردآوری داده‌ها نیز شامل اسناد و مدارک نوشتاری و تصویری همچون کتب مورخین، وقف‌نامه‌ها، و نقشه‌های تاریخی است. در نهایت نتایج حاصل به صورت نقشه‌ای شهری مربوط به اواخر قرن ششم هجری ترسیم شد که نشانگر هم‌پوشانی محدوده باروی قدیم شهر تبریز با محدوده باروی نجف‌قلیخانی است.

واژگان کلیدی: باروی قدیم شهر تبریز، دروازه، محلات درونی و بیرونی، باروی نجف‌قلیخانی، منابع تاریخی.

مقدمه

رسیدن آباقاخان بن هلاکو (حک: ۶۸۰-۶۶۳ ه.ق.) و وزارت یافتن صاحب دیوان خواجه شمس‌الدین محمد جوینی (۶۸۳-۶۶۳ ه.ق.)، با انتقال پایتخت از شهر مراغه به تبریز، عصری نو در تاریخ شهرسازی ایران آغاز شد.

در دهه دوم زمامداری ایلخانان مغول، طی به قدرت

* نویسنده مسئول ۰۹۱۴۳۰۳۴۶۸۴
S.jafarpour@auh.ac.ir

آنها که جهت ساکنان شهر تبریز و شهرستان رشیدی و اهل محلات داخلی و خارجی آن هر دو بقعه [ناحیه] ... وقف سبیل کرده‌ام»، و یا «آنچه جهت ساکنان شهر تبریز به محلات بیرونی شرقی و محلات اندرونی آن و حمامات آنجا وقف مسبل کرده‌ام»؛ و در بیان موضع ربع رشیدی آمده: «از آن جمله یک روضه ربع رشیدی است که انشاء این ضعیف است به دارالملک تبریز، بیرون شهر به موضع سرخاب» (فضل الله همدانی، ۱۳۵۶: ۲۰۴ و ۲۱۱). بنابراین متن وقفنامه‌ها به عنوان اسناد ثبتی، موقعیت مکانی در شهر ابتدا نسبت به باروی کهن و سپس دروازه‌ای که بدان راه داشته تعریف می‌گشت. از این رو دروازه‌های باروی کهن در نقش نشانه‌های شهری، خوانایی بافت تاریخی تبریز را موجب شده بودند. در وقفنامه‌های برجای مانده از قرون هشتم و نهم هجری، استفاده از این سنت جهت شناسایی امکان شهر دیده می‌شود. از آن جمله در وقفنامه ابواب البر کججیه^۳ (تألیف: ۷۸۲ ه.ق.) آمده: «رُبْعٌ وَ سُدُسٌ تَامَانٌ مِنَ الْحَمَامِ الْمَعْرُوفِ بِالْمَلِكِ السَّعِيدِ الْخَوَاجَةِ مَجْدَالِدِينَ مَلِكِي الْكَايِنِ دَاخِلِ مَدِينَةِ تَبْرِيزِ بِالْبَابِ الْاَعْلَى فِي مَحَلَةِ خَلِيلَانَ»^۴ و یا «جميع الخانقاه واقع خارج مدينة تبريز بباب نهادمهن بحداء المسجد الجامع الصحابي الوزيري التاجي العليشاهي» (افشار، ۱۳۵۴: ۱۸۰ و ۱۸۹)، و در وقفنامه ابواب البر مظفریه^۵ (تألیف: ۸۶۹ ه.ق.) نیز محل احداث موقوفه چنین ذکر گشته است: «و این بقعه در بیرون شهر تبریز، به دروازه جدید در محله پسکوشک، در جایی به نام فخرآزاد ساخته شد» (مشکور، ۱۳۵۲: ۶۵۶). با توجه به موارد آمده می‌توان به اهمیت بررسی محدوده باروی کهن شهر و محل استقرار دروازه‌های آن به منظور بازخوانی ساختار تاریخی شهر، نظام محله‌بندی، و الگوی توسعه کالبدی شهر، پی برد. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی برای پردازش داده‌ها استفاده شده است. منابع داده‌اندوزی شامل اسناد و مدارکی مانند کتب مورخین، وقفنامه‌ها، و نقشه‌های تاریخی است. روش پردازش و تفسیر اطلاعات تطبیقی و مقایسه‌ای بوده و نحوه ارائه داده‌ها بصورت ترسیم نقشه شهری است. چنین تحقیقی به دلیل از بین رفتن بسیاری از ساختارهای شهری مورد مطالعه و تنها با اکتفا به گزارش‌ها و توصیفات ضبط شده در متون تاریخی، و عدم انجام کاوش‌های علمی و تحلیلی در سایت‌های مربوطه، با محدودیت‌هایی در جمع‌آوری داده‌ها مواجه بوده است.

پیشینه تحقیق

طی نیم قرن اخیر کتب متعددی در باب تاریخ تبریز توسط مورخینی چون مینورسکی (۱۳۳۷)، مشکور (۱۳۵۲)، ذکاء (۱۳۶۸)، و رئیس‌نیا (۱۳۷۹) به نشر رسیده که عموماً به

در این دوره شهر تبریز به دلیل در امان ماندن از تخریب مغولان، افول قدرت سیاسی در بغداد، برخوردار از موقعیت تجاری فرمانطقه‌ای، و تساهل عقیدتی حاکمان، در بازه زمانی کوتاهی شاهد افزایش جمعیت، انباشت سرمایه، دسترسی به نیروی کار ارزان و در پی آن رشد سریع فضای کالبدی شهر بود. چنین مهاجرت گسترده اقوام و اقشار مختلف شهری، روستایی و ایلی به سوی تبریز، همراه با بروز سنت‌های متفاوت در نحوه انتخاب محل سکونت^۱ و کمبود فضا در محدوده شهر قدیم، دولت‌مردان را برآن داشت تا سیاست توسعه شهری خود را مبتنی بر ایجاد جوامع مدنی خودسازمانده قرار دهند. از این رو دو الگوی متمایز توسعه شهری را در پیش گرفتند: نخست ساماندهی محلاتی واقع در اراضی بیرونی باروی کهن به مرکزیت مجموعه‌ای موقوفه موسوم به ابواب البر به عنوان نهادی عام المنفعه، و دیگری ساخت شهرک‌هایی اقماری با باروئی جداگانه و عملکردهایی از پیش تعیین‌شده که خود شامل ابواب البر (کهندهژ)، محلات درونی (شارستان)، محلات بیرونی (ربض)، و راسته‌های بازار بودند. شهرک‌های ارغونیه (۶۸۹ ه.ق.)، غازانیه (۶۹۷ ه.ق.)، و ربع رشیدی (۷۰۷ ه.ق.) از آن گونه‌اند (محمدمرادی و جعفرپور، ۱۳۹۲: ۹۳-۹۰). گسترش شهر به ویژه در راستای شرقی - غربی، تبریز را به مجموعه‌ای از محلات واقع در میان باغات، تپه‌ها و گورستان‌ها بدل نمود که نیازمند قلمرو و عاملی وحدت‌بخش بود. از این رو در سال ۷۰۲ ه.ق. به امر غازانخان (حک: ۷۰۳-۶۹۴ ه.ق.) حصار به طول حدوداً بیست و پنج هزار گام،^۲ مشتمل بر شش دروازه اصلی به گرد باروی کهن، محلات بیرونی، باغات و گورستان‌های شهر کشیده شد (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۳-۱۲۲؛ فضل الله همدانی، ۱۳۶۸: ۶-۲۰۴؛ وصاف الحضرة، ۱۳۸۸: ۳/۳۸۵)؛ (تصویر ۳).

با وجود آن‌که باروی غازانی تبریز محاط بر تمامی محلات و شهرک ربع رشیدی بوده، با این حال در متن بسیاری از اسناد تاریخی دوره ایلخانان مانند وقفنامه‌ها و وقایع‌نگاری‌ها، با اصطلاحاتی همچون «محلات درونی و بیرونی» و «داخل شهر و خارج شهر»، مواجه می‌شویم. این امر گویای آن است که در تعیین موضع محلات، حریم باروی غازانی فاقد نقش بوده و سازمان فضایی شهر بر مبنای محدوده باروی کهن آن تعریف می‌گشت. بدین ترتیب «محلات درونی» به محلات واقع در داخل باروی کهن و «محلات بیرونی» به محلات شکل‌گرفته در بخش ربض یا خارج باروی کهن اطلاق می‌شد. در واژه «داخل شهر» نیز، کلمه «داخل» به محوطه شهر قدیم - در برگیرنده هسته مرکزی شهر - اشاره دارد. در این باب مواردی از وقفنامه ربع رشیدی (۷۰۹ ه.ق.) قابل توجه است، از جمله: «در بیان شروط و امور مجاری،

آذربایجان و آبادترین شهر آن، پرجمعیت با بازارهایی بسیار یاد کرده است (۱۳۴۵: ۸۴). مورخین قرن چهارم هجری عموماً در وصف ساختار طبیعی و مصنوع شهر، به مواردی همچون احاطه شدن در میان باغات، جاری بودن نه‌های متعدد در میان شهر، احداث مسجد جامع داخل شهر، و دارا بودن برج و بارو پرداخته‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۶۱/۲؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ۶۲/۶).

با رونق گرفتن جایگاه تجاری تبریز در منطقه، در پی ثبات سیاسی و امنیت ناشی از حکومت روادیان (۴۶۵-۳۵۰ ه.ق.)، شرایط لازم جهت توسعه شهر فراهم شد. طی مصالحه امیر وهسودان بن محمد روادی (حک: ۴۵۰-۴۱۶ ه.ق.) با غزها در ۴۲۰ ه.ق. تبریز از تاراج‌گری این قوم در امان ماند، اما بار دیگر در ۴۳۴ ه.ق. به زلزله‌ای سخت ویران گشت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۹۲/۱۶ و ۲۲۰). با فرمان خلیفه القائم (۴۶۷-۴۲۲ ه.ق) امیر وهسودان به بازسازی شهر اقدام کرد، از آنجاکه تا سالیان متمدای زلزله‌ای شدید در تبریز روی نداده بود، اکثر مورخین ساختار اصلی شهر را به وی نسبت داده‌اند: «این عمارت کی تا غایت باقی است، آن عمارت امیر وهسو دانست» (ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۳۹). با آغاز حکومت سلاجقه (۵۵۲-۴۲۹ ه.ق) به ویژه در دوره زمامداری اتابکان آذربایجان (۶۲۲-۵۴۱ ه.ق)، تبریز به عنوان مرکز سیاسی، نظامی، و تجاری منطقه، به یکی از پایگاه‌های علم و ادب و صنعت نیز بدل شد. یاقوت حموی طی سفری به تبریز در ۶۱۰ ه.ق. شهر را آباد، با بارویی از آجر و گچ آورده که منسوجات تولیدی آن به دیگر شهرهای خاور و باختر حمل می‌شده است (۱۳۸۰: ۷۰۶/۱). توان مالی ساکنان تبریز و درایت شمس‌الدین طغرایبی وزیر ازبک بن محمد (حک: ۶۲۲-۶۰۷ ه.ق.)، موجب شد تا با پرداخت گرامتی سنگین و اهدای پیشکش‌های نفیس، شهر از تاراج مغولان طی حمله سال ۶۱۷ ه.ق. مصون بماند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۶۰/۲۷). بدین ترتیب عدم دخل و تصرف در ساختار سلجوقی شهر تبریز (محوطه تبریز قدیم) در دوره ایلخانان، امکان شناخت محدوده باروی کهن را با رجوع به مستندات متعدد ایلخانی و بعد آن میسر می‌کند.

بازخوانی محدوده باروی کهن تبریز و محل استقرار دروازه‌های آن

جهت شناسایی محدوده بارو و تعیین محل دروازه‌های آن، با توجه به آنکه حمدالله مستوفی در نزهة القلوب (۷۴۰ ه.ق.) جامع‌تر از سایر منابع، به باروی کهن شهر و دروازه‌های آن اشاره نموده، گزارش وی به عنوان معیاری جهت تطبیق داده‌ها انتخاب شد. دیگر منابع مورد استفاده در این بخش عبارتند از: سفرنامه ناصر خسرو (۴۴۴ ه.ق.)، وقف‌نامه ربع‌رشدی (۷۰۹ ه.ق.)، وقف‌نامه کججیه (۷۸۲ ه.ق.)، وقف‌نامه مظفریه

سیر وقایع تاریخی پرداخته‌اند. از میان پژوهشگران تاریخ معماری ایران نیز، سلطان‌زاده (۱۳۷۶) طی بحث در باب روند تاریخی شکل‌گیری تبریز تنها به ذکر گزارش‌های موجود در منابع تاریخی و سفرنامه‌ها اکتفا نموده و به تحلیل ساختاری و کالبدی آن پرداخته است. در عرصه مطالعات تاریخ شهرسازی، پاکزاد (۱۳۹۰) با نظری گذرا بر وقایع تاریخی، طرح‌هایی شماتیک از ساختار شهر تبریز طی دوره‌های اسلامی ارائه نموده است که به علت عدم تسلط بر متون تاریخی مرتبط با شهر تبریز، در تهیه نقشه‌های مربوطه دچار اشتباهات فاحشی شده است. مثلاً در نقشه مربوط به دوره ایلخانان، باروی غازی که دارای محیطی در حدود بیست و پنج هزار گام و محاط بر موضع ربع‌رشدی، باغات، و گورستان‌های شهر بوده، به شکل بارویی با محیطی در حدود شش هزار گام ترسیم شده است؛ و یا با اشاره به بازسازی باروی تبریز پس از زمین‌لرزه سال ۴۳۴ ه.ق. نقشه‌ای مبنی بر چگونگی ساختار شهر در این دوره ارائه نگشته است (همان: ۳۲۵ و ۲۷۹). از این‌رو تحقیق حاضر سعی دارد با بازخوانی محدوده باروی قدیم تبریز یا باروی روادی (احداث: ۴۳۴-۵ ه.ق.)، مهم‌ترین عنصر تعیین‌کننده نظام ساختاری شهر در دوره سلجوقیان، اتابکان، و ایلخانان را مورد مطالعه قرار دهد.

شهر تبریز طی قرون اولیه اسلامی

بنابر منابع قرون اولیه اسلامی، نخستین باروی تبریز در دوران خلافت هارون‌الرشید (۱۹۳-۱۷۰ ه.ق) توسط وجناء بن رواد از دی^۶ (حک: حدود ۱۸۹-۱۷۰ ه.ق.) برپا گشته است (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۶۵ و ابن‌نفیسه، ۱۳۷۹: ۱۲۷). مورخین دوره ایلخانی نیز احداث شهر تبریز در سال ۱۷۵ ه.ق. را به زبیده‌خاتون همسر هارون‌الرشید نسبت داده‌اند (بناکتی، ۱۳۴۸: ۱۵۲؛ ابوالمجد تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۳۹؛ حمدالله‌مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۱). با این حال حشری، ضمن نام بردن از برخی دژهای پیش از اسلام در دشت تبریز، می‌نویسد: «در حوالی تبریز پنجاه قلعه، و تبریز از کوه چرنداب تا کوه سرخاب بیشه بود. [...] هنگام تسلط عساکر اسلام بدین دیار، پادشاه تبریز هامان بن مهریار دارای شصت‌هزار مرد و پنجاه قلعه بود» (۱۳۷۱: ۱۸). کربلایی نیز می‌افزاید: «بدان‌که شهر تبریز از بناهایی است که در ظهور اسلام واقع شده، قبل از بنای آن، به جای آن و در حوالی آن، ده‌ها و قلعه‌ها بوده و مردم آنجا آتش‌پرست بوده‌اند» (۱۳۸۳: ۱۵/۱). گویا ناحیه تبریز تا پیش از ورود خاندان ازد (۱۴۱ ه.ق.) به صورت مجموعه‌ای از قلعه - روستاها، تحت تابعیت قلعه‌ای نظامی بوده است. وقوع زمین‌لرزه‌های در سال ۲۴۴ ه.ق. به بازسازی شهر می‌انجامد، چنانچه ابن‌حوقل حدود ۳۴۴ ه.ق. از تبریز به عنوان مرکز

است، جهت تعیین موضع آن منحصرأً به اسناد تاریخی رجوع می‌شود. در این باب در وقفنامه مظفریه آمده: «باغ سواران در تبریز در ربع رشیدی در بیرون باب‌اعلی» (مشکور، ۱۳۵۲: ۶۷۲)، و حشری محله بطل‌آباد را مابین درباغلی و شش‌گیلان آورده است (۱۳۷۱: ۴۰). فضل‌الله‌همدانی نیز در تعیین موضع اراضی هریوانق می‌نویسد: «محدود و متصل به سد شهر بند قدیم^۹ و به درباغلی و به شارع خراسان و به نهر مهران‌رود» (۱۳۵۶: ۲۶۱). بدین ترتیب موضع باب‌اعلی در ضلع شرقی بارو، واقع در اراضی شمال مهران‌رود، در مسیر جاده خراسان و محله بیرونی شش‌گیلان بوده است. با توجه به آنکه کربلایی محل تکیه میرحیدر تونی (وفات: ۸۳۰ ه.ق.) را در درباغلی آورده (۱۳۸۳: ۴۶۷/۱)، و تکیه حیدر به مکانی در حدود شمالی پل قاری و ابتدای گذر شش‌گلان اطلاق می‌شود، موقعیت باب‌اعلی را می‌توان از روی نقشه دارالسلطنه مشخص کرد. این دروازه در امتداد جاده کهن تبریز به خراسان (تبریز- سعیدآباد - سراب - طارم - قزوین) واقع بوده است.

دروازه ری / جدید / نو

در وقفنامه ربع رشیدی آمده: «قنواتی که از جانب یمین رودخانه تبریز می‌آیند [...] تا پل سنگین، [...] از آنجا به مصلی تبریز که در شش‌گیلان است، و از آنجا راه به راه می‌رود تا رودخانه به نزدیک دروازه ری، و از آنجا در زیر رودخانه گذرانیده در جنب سدی و نقبی که جهت این رودخانه ساخته‌ام می‌گذرد و در جنب دروازه ری که مشهور است به دروازه نو، در شهر می‌رود»، (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۰۴). از آنجا که کاشانی نیز در ذکر خیرات فضل‌الله همدانی در تبریز، به احداث سدی بنام سد باب‌اعلی اشاره دارد (۱۳۸۴: ۱۱۶)، در نتیجه موضع دروازه ری در شرق بارویکهن، در جنب رودخانه مهران‌رود و در ارتباط با باب‌اعلی در سمت مقابل آن بوده است. از این‌رو دروازه ری بنابر نقشه دارالسلطنه با دروازه باغمیشه باروی نجف‌قلی‌خانی مطابقت می‌کند. این دروازه بخش مرکزی شهر شامل بازار و مسجد جامع را به گذر خراسان مرتبط می‌کرد.

دروازه موکله / ماهان‌قلق

در این باب کربلایی می‌نویسد: «مزار مولانا شهاب‌الدین واعظ در مسجد هروی است، در محله مهان‌قلق که مشهور به مُکله است»، (۱۳۸۳: ۴۸۱/۱)، و در وقفنامه مظفریه می‌خوانیم: «باغ پهلوان پیریکیان به باب ماهان‌قلق در محله پسکوشک» (مشکور، ۱۳۵۲: ۶۷۲). با توجه به آن‌که موضع محله پس-کوشک بیرون دروازه ری (جدید) نیز آمده (همان: ۶۵۶ و افشار، ۱۳۵۴: ۱۸۰)، در نتیجه دو دروازه ری و موکله

(۸۶۹ ه.ق.)، روضات الجنان و جنات الجنان^۷ (۹۷۵ ه.ق.)، روضه الاطهار^۸ (۱۰۱۱ ه.ق.)، و نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی تهیه شده به سال ۱۲۹۷ ه.ق. که محدوده باروی نجف‌قلی - خانی (۱۱۹۴ ه.ق.) را به تصویر کشیده است (جدول ۱).

• محیط باروی کهن تبریز

نخستین خبر در باب محدوده شهر تبریز پس از بازسازی امیر وهسودان رواد، توسط ناصر خسرو ارایه شده است. وی که در اوایل ۴۳۸ ه.ق. چهار سال پس از زمین‌لرزه ۴۳۴ ه.ق. به تبریز وارد شده، چنین نقل می‌کند: «آن شهر، قصبه [مرکز] آذربایجان است، شهری آبادان. طول و عرضش به گام پیمودم، هر یک هزار و چهارصد بود» (۱۳۶۳: ۸). به دلیل برابری طول و عرض، احتمالاً شهر دارای بارویی به شکل مربع، و در نتیجه محیطی در حدود ۵۶۰۰ گام بوده است. طی توسعه سریع شهر در دوره ایلخانان، فضل‌الله همدانی در ذکر علل احداث باروی غازانی، می‌نویسد: «شهر تبریز که این زمان [۷۰۲ ه.ق.] دارالملک است بارویی مختصر داشت و آن نیز مندرس گشته و بیرون شهر، خانه‌ها و عمارات بسیار است» (۱۳۶۸: ۲۰۵)، و در نزهة القلوب در باب باروی قدیم شهر آمده: «دور باروی تبریز شش هزار گام بوده است و ده دروازه دارد: ری و قلعه و سنجانان و طاق و درجو [ورجو] و سرد و در دستی‌شاه [سیشاه] و نارمیان و نوبر و موکله» (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۲). در نتیجه محیط باروی کهن شهر از دوره روادیان (۵۶۰۰ گام) تا اواسط قرن هشتم هجری (۶۰۰۰ گام)، تغییر چندانی نیافته است. از آنجا که تا پیش از بازسازی کلی شهر بر اثر زمین‌لرزه مهیب ۱۱۹۴ ه.ق.، تعیین حریم شهر قدیم بنابر موضع دروازه‌های باروی کهن صورت می‌گرفته، از این‌رو نیازمند بررسی محل دروازه‌های باروی کهن بر بستر شهر بازسازی شده می‌باشیم. نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی (۱۲۹۷ ه.ق.) با ترسیم محدوده باروی نجف‌قلی‌خانی (احداث: ۱۱۹۴ ه.ق.) با محیطی در حدود ۴۹۰۰ متر، و نه دروازه به نام‌های: باغمیشه، سرخاب، شتربان، استانبول، ویجویه، گجیل، مهادمهن، نوبر، و خیابان، مهم‌ترین سند تاریخی در این باب محسوب می‌شود (تصویر ۱).

• تعیین موضع دروازه‌های باروی کهن تبریز

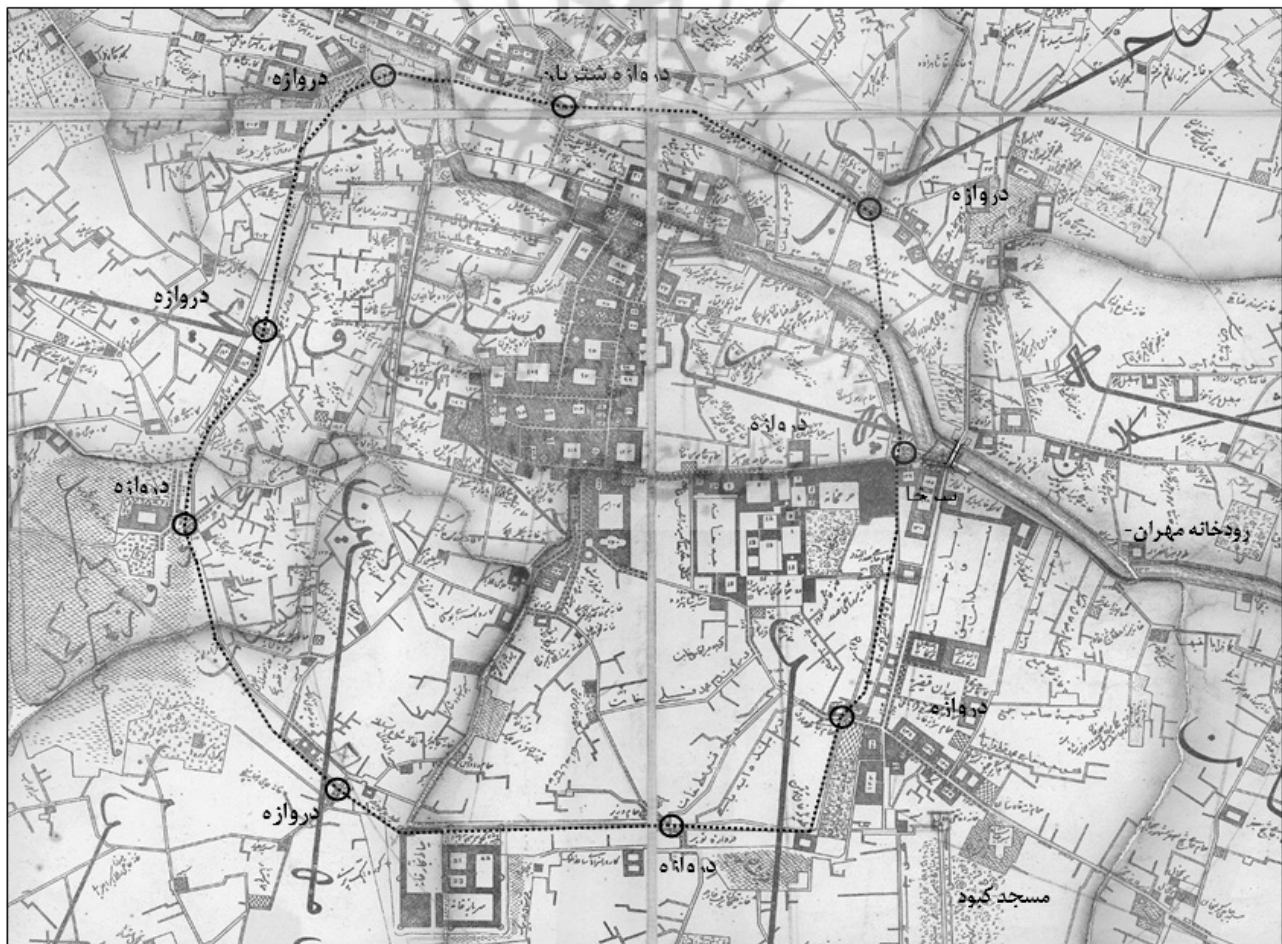
با توجه به آن‌که طول باروی نجف‌قلی‌خانی و تعداد دروازه‌های آن تا حد زیادی با باروی کهن شهر هم‌خوانی دارد، لذا جهت تعیین موضع دروازه‌های باروی کهن تبریز، از انطباق داده‌های اسناد تاریخی با موقعیت مکانی هر یک از دروازه‌های باروی نجف‌قلی‌خانی که در نقشه دارالسلطنه ترسیم شد، استفاده شده است.

دروازه در دست‌شاه / باب‌اعلی

از آنجا که این دروازه فاقد معادلی در باروی نجف‌قلی‌خانی

جدول ۱. تطبیق نام دروازه‌های باروی کهن تبریز بنابر منابع تاریخی مورد استفاده. مأخذ: نگارنده.

| منابع | وقفنامه ربع رشیدی (۰.ق.۵۷۰۹) | نزّه القلوب (۰.ق.۷۴۰) | وقفنامه کججیه (۰.ق.۷۸۲) | وقفنامه مظفریه (۰.ق.۵۸۶۹) | روضات الجنان و جنات الجنان (۰.ق.۵۹۷۵) | روضه الاطهار (۰.ق.۵۱۰۱۱) | نقشه قراجه-داغی |
|--------------------------|------------------------------|-----------------------|-------------------------|---------------------------|---------------------------------------|--------------------------|-----------------|
| نام دروازه‌های باروی کهن | باب اعلی | در دستي شاه | باب اعلی | باب اعلی | باب اعلی | باب اعلی | ----- |
| | ری / نو | ری | جدید | جدید | ری | ری | باغمیشه |
| | ----- | موکله | ----- | ماهانقلق | [محلّه] ماهانقلق / مکله | ----- | خیابان |
| | ----- | نارمیان | نهادمهن | نهادمهن | مهادمهن | ----- | مهادمهن |
| | ----- | نوبر | ----- | ----- | نوبر | ----- | نوبر |
| | سرد | سرد | سرد | ----- | سرد / سردرود | سردرود | گجیل |
| | ویجویه | ور جو | وئجویه | ویجویه | ویجویه | ----- | ویجویه |
| | سنجاران | سنجاران | ----- | سنجار | سنجار | ----- | استانبول |
| | ----- | طاق | ----- | طاق | ----- | [پل] طاق | شتربان |
| | سرخاب | قلعه | ----- | آهین در | ----- | [قلعه] آهین در | سرخاب |



تصویر ۱. بخشی از نقشه دارالسلطنه تبریز، ترسیم توسط سرهنگ قراجه‌داغی، (۱۲۹۷ق. / ۱۸۸۰م.). در این تصویر محدوده باروی نجف‌قلی‌خانی و محل دروازه‌های نه‌گانه آن مشخص شده است. مأخذ: تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۵.

ورجو شهرت یافته بود (۱۳۷۱: ۸۰). وقفنامه کججیه و مظفریه، کوچه حکم‌آباد و تمامی اراضی حکم‌آباد را بیرون دروازه ویجویه آورده‌اند (افشار، ۱۳۵۴: ۱۸۱ و مشکور، ۱۳۵۲: ۶۵۹)، از آنجا که فضل‌الله همدانی نیز دروازه‌های ویجویه و سرد را در سمت مقابل دروازه ری نوشته (۱۳۵۶: ۴۰)، در نتیجه موضع دروازه ورجو در ضلع غربی باروی کهن بر محل دروازه ویجویه نقشه دارالسلطنه منطبق بوده است. گذرهای منشعب از این دروازه به باغات و مزارع غربی شهر راه داشته و با عبور از رودخانه تلخه‌رود به جاده سهلان (همان: ۶۷۲)، و ناحیه چهارم ارونق، واقع در سه تا پانزده فرسنگی شمال غربی تبریز، منتهی می‌شد.

دروازه سنجان

از آنجا که در نقشه دارالسلطنه تبریز داخل باروی نجف‌قلی‌خانی محدوده محله‌ای با نام سنجان مشخص گشته، و کربلائی نیز مرقد امامزاده ابوالحسن موسی (در نقشه دارالسلطنه به نام سیدجمال‌الدین آمده) را در محله سنجان آورده است (۱۳۸۳: ۴۴۹/۱)، این احتمال وجود دارد که دروازه سنجان/ سنجان^{۱۱} در محدوده دروازه استانبول باروی نجف‌قلی‌خانی واقع بوده و در نتیجه به جاده روم (تبریز- مرند - خوی - ارزنااروم - سیواس) و شام (تبریز- مرند - خوی - وان - دیاربکر - حلب) راه داشته است.

دروازه طاق

در وقفنامه مظفریه طی برشمردن باغات موقوفه واقع در بیرون دروازه ویجویه، آمده: «و قنات معروف به محمدآباد از قنات دروازه ویجویه، که دهانه [مظهر] آن در باغ خلفان آفتابی می‌شود و چاه‌های آن به دروازه طاق منتهی می‌گردد» (مشکور، ۱۳۵۲: ۶۵۸). و حشری می‌نویسد: «مزار پیرموسی در طرف غربی سنجان، در قرب تل خاکی در مقابل پلی که مشهور به پل طاق است واقع شده» (۱۳۷۱: ۳۳). بنا بر هم‌نامی دروازه و پل، و اینکه چاه‌های قنات مذکور می‌بایست به دامنه‌های کوه سرخاب واقع در شمال مهران‌رود منتهی گردد، موقعیت دروازه طاق را می‌توان در بخش شمال‌غربی بارو، در جوار اراضی شمالی مهران‌رود و در محدوده دروازه شتربان قلمداد کرد. در نتیجه دروازه طاق به جاده روم راه داشته و از طرفی توسط جاده‌های رو به شمال امکان دسترسی به ناحیه رودقنات در پس کوه سرخاب را فراهم می‌کرد.

دروازه قلعه

نام این دروازه نشان‌گر دسترسی آن به قلعه‌ای در جوار

(ماهان‌قلق) در جوار هم واقع بوده‌اند. بنا بر نقشه دارالسلطنه، دروازه موکله با دروازه خیابان برابری کرده، از اینرو به ناحیه اول (مهران‌رود) از هفت ناحیه پیرامونی تبریز، راه داشته و در امتداد جاده عراق عجم (تبریز- سعیدآباد - اوجان - میانه - سلطانیه) واقع بوده است.

دروازه نوبر

طی انطباق اسامی دروازه‌های باروی کهن با اسامی دروازه‌های باروی نجف‌قلی‌خانی، تنها نام مشترک «نوبر» است، بدین جهت موقعیت مکانی دروازه نوبر را می‌توان در ضلع جنوبی باروی کهن قلمداد کرد. گذر منتهی به این دروازه معروف به کوچه‌باغ نوبر، به باغات جنوب شهر و روستاهایی همچون فتح‌آباد، شادآباد، و کججان راه داشته است (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۷۵).

دروازه نارمیان

در باب دروازه نارمیان حمدالله‌مستوفی چنین آورده: «وزیر خواجه تاج‌الدین علی‌شاه جیلانی [وفات: ۷۲۴ه.ق.] در تبریز در خارج محله نارمیان مسجدجامع بزرگ ساخته» (۱۳۸۱: ۱۲۳). در وقفنامه کججیه نیز موضع ابوالبیر کججیه، بیرون شهر به دروازه نهادمهن روبروی مسجدجامع وزیر تاج‌الدین علی‌شاهی ذکر شده است (افشار، ۱۳۵۴: ۲۰۰). بدین ترتیب دروازه نارمیان (در السنه مردم معروف به میارمیار) همان دروازه نهادمهن/ مهادمهن است که در نقشه دارالسلطنه به صورت مهادمهین ثبت شده است. بنا بر وقفیه مظفریه، دروازه نهادمهن عموماً با باغات و روستاهای جنوب شهر در ارتباط بوده است (مشکور، ۱۳۵۲: ۷-۶۵۶).

دروازه سرد

درباره دروازه سرد در وقفنامه کججیه چنین آمده: «و منها قطعاً باغ مُفَرَزَة من الباغ المدعو بَخْشِ خَلْف، الکاین بظاهر مدینه تبریز بباب السرد علی طریق کجاباد»^{۱۲} (افشار، ۱۳۵۴: ۱۹۱). حمدالله‌مستوفی نیز در شرح هفت ناحیه پیرامونی تبریز، ناحیه دوم سردرود و صحرا را در جنوب غربی تبریز به فاصله یک فرسنگی از شهر آورده و دیه کجاباد را از جمله دیه‌های بزرگ قریه سردرود نوشته است (۱۳۸۱: ۱۲۶). از آنجا که دروازه سرد بر مسیر جاده کجاباد واقع بوده، در نتیجه موقعیت آن با موضع دروازه گجیل منطبق بوده است. در دوره ایلخانی این دروازه به دلیل راه داشتن به غازییه و جاده بغداد (تبریز- مراغه- دینور- حلوان) از اهمیت بالایی برخوردار شد.

دروازه ورجو

حشری در شرح مقابر واقع در سر میدان ویجویه از مزار آخی ویجو نام می‌برد که به دلیل کثرت استعمال عوام به

واقع بوده است.

• ترسیم طرحی شماتیک از باروی کهن تبریز

بنابر نتایج به دست آمده از منابع تاریخی و تطبیق هر یک با داده‌های نقشه دارالسلطنه قراجه‌داغی (۱۲۹۷ ه.ق.)، طرح شماتیکی از باروی کهن تبریز به همراه دروازه‌های دهگانه آن تهیه شد. به‌منظور ترسیم این طرح، نقشه دارالسلطنه به دلیل ارائه جزئیات بافت تاریخی شهر، محدوده گورستان‌ها و باغات، مبنای کار قرار داده شد. با در نظر گرفتن این احتمال که باروی کهن دارای هندسه‌ای نزدیک به مربع بوده، محل دروازه‌ها بر اساس موضع پیش‌بینی شده و در راستای راه‌ها و جاده‌های منتهی به هریک، به‌منظور به دست آوردن طولی برابر با شش‌هزار گام مکان‌یابی شده‌اند، (تصویر ۲).

شهر قدیم می‌باشد. از میان منابع موجود، حشری در ذکر قلاع تاریخی دشت تبریز، کوه سرخاب را دارای چهار قلعه به نام‌های: گرآب، فرقانه، آهنین در در قرب شهر، و هامان حصار آورده است (۱۳۷۱: ۱۸). از طرفی در وقفنامه مظفریه آمده: «زمین جعفر دولق در تبریز به دروازه آهنین در» (مشکور، ۱۳۵۲: ۶۶۹). بدین ترتیب به دلیل مجاورت قلعه آهنین در از قلاع سرخاب با شهر، دروازه قلعه، آهنین در نیز خوانده می‌شده است. از آنجاکه فضل‌الله همدانی یکی از درهای محله صالحیه ربع رشیدی را بر گذر منتهی به دروازه سرخاب آورده (۱۳۵۶: ۱۸۸)، می‌توان چنین برداشت کرد که دروازه قلعه به دلیل استقرار در کوه سرخاب، به دروازه سرخاب نیز معروف بوده است. از این رو ضمن برابری با موضع دروازه سرخاب باروی نجف‌قلی‌خانی، این دروازه در امتداد جاده اژان (تبریز- اهر- باجروان - بیلقان - گنجه)



تصویر ۲. طرحی شماتیک از ساختار فضایی شهر تبریز تا اواخر قرن ششم هجری که بر بستر امروزی شهر منطبق گشته است. محدوده باروی کهن، دروازه‌های دهگانه آن، محلات درونی و میادین شهر در نقشه مشخص شده‌اند. مأخذ: تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵.

نتیجه‌گیری

شدن به مجموعه بازار، رابط میان دروازه‌های دهگانه نیز بوده‌اند - را حداقل به اواسط قرن پنجم هجری نسبت داده و ساختار تاریخی شهر را ترسیم کرد.

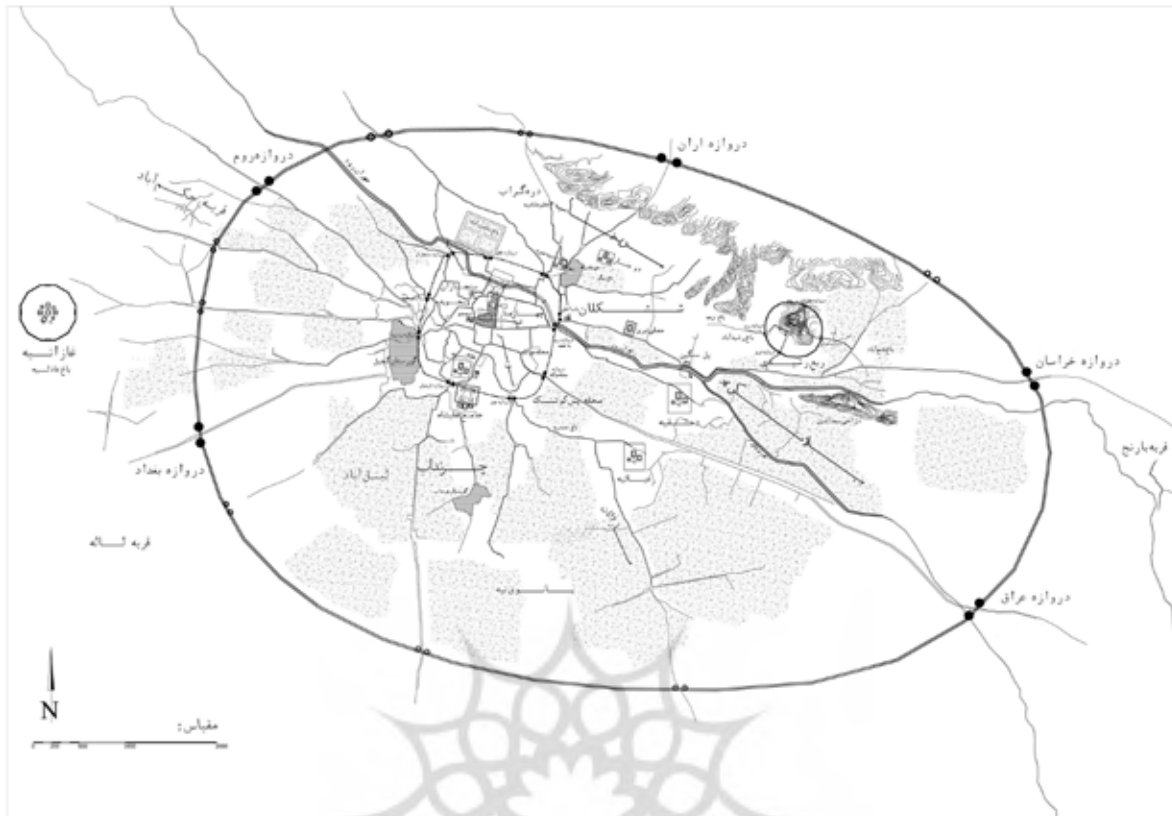
پی‌نوشت‌ها

۱. به طور مثال یاسای چنگیز خان مغولان را ملزم می‌کرد تا زندگی صحراگردی پیشه‌کنند، نه در جایی ثابت بمانند و نه در شهرها سکونت گزینند، (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۴۶۴). از این رو شهرهای ساخته شده به دستور حاکمان مغول دارای هویت شهر - مرتع بود.
۲. در تاریخ وصاف محیط باروی غازی پنجاه و چهار هزار خطوه قریب چهار فرسنگ و نیم آمده؛ (وصاف الحضرة، ۱۳۸۸: ۳/۳۸۵) و در نزهة القلوب نیز دور باروی غازی بیست و پنج هزار گام نوشته شده است؛ (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۲۳). از آنجا که هر فرسنگ برابر ۱۲۰۰۰ ذراع است، در نتیجه ۴/۵ فرسنگ برابر با ۵۴۰۰۰ ذراع می‌باشد. احتمالاً وصاف طول یک خطوه را برابر با یک ذراع گرفته است. اگر هر ذراع ۴۸ سانتیمتر باشد، طول بارو ۲۵۹۲۰ متر می‌شود که تقریباً ۲۶ کیلومتر بوده و با سخن حمدالله مستوفی، ۲۵۰۰۰ گام، همخوانی دارد.
۳. ابواب البرّ شیخ الاسلام غیاث الدین محمد کججی (وفات: ۷۸۸ ه.ق.)، مشهور به خواجه شیخ، در بیرون دروازه مه‌ادمهن واقع بوده است.
۴. ترجمه: «و از آن ا: املاک موقوفه، چهار ششم سهم کامل از حمام معروف به ملک سعید خواجه مجدالدین ملکی واقع در داخل شهر تبریز جنب باب اعلی در محله خلیان».
۵. ابواب البرّ مظفریه به دستور جهانشاه قراقوینلو (وفات: ۸۷۲ ه.ق.) بر سر گذر خیابان احداث شد و امروزه از آن تنها مسجد کبود باقی است.
۶. یعقوبی در ذکر وقایع سال ۱۴۱ ه.ق. به گماردن رواد بن مثنی ازدی از قبایل یمنی بصره بر ناحیه‌ای از تبریز تا بذا اشاره کرده است. رواد دارای سه پسر بنام‌های وچناء (حک: ۱۸۹-۱۷۰ ه.ق.)، محمد (حک: ۲۳۲-۱۸۹ ه.ق.) و یحیی بود. حکومت این خاندان بر نواحی شرق دریاچه ارومیه، در ۲۳۵ ه.ق. با عزل یحیی از حکومت تبریز به فرمان متوکل عباسی (خ: ۲۴۷-۲۳۲ ه.ق.) خاتمه پذیرفت (کسروی، ۱۳۷۹: ۴-۱۵۲).
۷. کتابی در باب مزارات متبرکه واقع در گورستان‌ها و محلات تبریز و توابع آن به قلم حافظ حسین کربلانی (وفات: ۹۹۷ ه.ق.).
۸. کتابی در باب مزارات متبرکه واقع در گورستان‌ها و محلات تبریز و توابع آن به قلم محمدامین حشری تبریزی.
۹. منظور از سدّ شهر بند قدیم، بخشی از دیوار باروی کهن است که به شکل سدی بر روی مسیر رودخانه مهران رود اجرا شده بود.
۱۰. ترجمه: «و از آن، قطعه باغ جدا شده‌ای از باغی معروف به بخش خلف، واقع در نزدیکی شهر تبریز به دروازه سرد بر راه کج‌آباد».
۱۱. حمدالله مستوفی در احداث بارویغازی تبریز می‌نویسد: «آن را بارویی کشید چنان‌که تمامت باغات و عمارات و دیه‌ها و ولیان کوه و سنجان نیز داخل آن بارو بود» (۱۳۸۱: ۱۲۳). احتمالاً سنجان نیز از تپه‌های دشت تبریز بوده است. چنانچه سنجان (شنگار/ شنگال) نام ناحیه‌ای کوهستانی در بخش کردستان عراق است. نام این شهر مرکب از شن= جا و گار= کوه، به معنی جای کوهستانی است.

فهرست منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۷۱). تاریخ کامل (تألیف: ۶۲۸ ه.ق.). ج ۱۶. ت: ع. هاشمی حائری. تهران: موسسه مطبوعات علمی.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۴۵). صورة الارض (تألیف: ۳۶۷ ه.ق.). ت: جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن فقیه، احمد بن محمد. (۱۳۴۹). ت: مختصر البلدان (تألیف: ۲۹۰ ه.ق.). (۱۳۷۹). ت: ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالمجد تبریزی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۱). سفینه تبریز (تألیف: ۷۲۳ ه.ق.). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

بدین ترتیب با مقایسه باروی نجف‌قلیخانی و طرح ترسیمی از باروی کهن تبریز، مشخص می‌شود باروی احداث شده در سال ۱۱۹۴ ه.ق./۱۷۸۰ م. در پی وقوع زمین‌لرزه ویرانگر آخرین ساعات سال ۱۱۹۳ ه.ق.، بر محدوده باروی قدیم شهر (۵۴۳۴ ه.ق.) منطبق بوده است. در نتیجه نجف‌قلی - خان دنبلی (وفات: ۱۱۹۸ ه.ق.) گام نخست در احیای مجدد شهر را در بازسازی حصاری دربرگیرنده دروازه‌های تاریخی آن قرار داده بود تا بدین‌وسیله با تعیین موضع دروازه‌ها، خواناسازی نظام ساختاری شهر را جهت تجدید عمارت محلات، مراکز تجاری، و مذهبی هموار سازد. بنابر گزارشات حاصله از منابع تاریخی، باروی کهن تبریز پس از قرن ششم هجری با شروع توسعه محلات به بیرون بارو، عملاً کارکرد نظامی خود را از دست داده، قلمرو حصار آن جهت شناسایی حریم شهر قدیم، و دروازه‌های آن به عنوان نشانه‌های شهری در تعیین موضع اماکن عمومی و املاک شخصی، بکار گرفته شده بودند. از این‌رو تعیین مرزی قراردادی برای داخل و خارج شهر و تقسیم‌بندی شعاعی کلیت شهر بر اساس نواحی دهگانه منطبق بر محدوده دروازه‌ها، راهکاری سازنده جهت شناسایی ساختار فضایی گسترده شهر تبریز در دوره ایلخانان بوده است. در نتیجه به‌منظور خوانایی بخشیدن به اسناد ثبتی مرتبط با دارایی‌های غیرمنقول همچون وصیت‌نامه‌ها و وقف‌نامه‌ها، چنین روش مکان‌یابی می‌بایست بقای خود را در طول زمان حفظ کند که لازمه آن عدم تغییر در محدوده باروی کهن و محل دروازه‌های دهگانه آن علیرغم توسعه کالبدی شهر بوده است. با توجه به آن‌که مکان دروازه‌ها به طور مستقیم با راه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای منتهی به شهر در ارتباط بوده، در نتیجه با وقوع زمین‌لرزه و تخریب شهر، تغییری در مسیر راه‌ها و در نهایت موضع دروازه‌ها ایجاد نمی‌شد. این امر نشانگر بهره‌گیری از سیستمی پایدار به‌منظور نشانه‌گذاری در ساختار شهری با احتمال بالای وقوع حوادث ویرانگر طبیعی است. از طرفی به ارتباط مستقیم استخوان‌بندی پیکره شهر با عامل راه‌های برون شهری اشاره دارد. به نحوی که دروازه‌های باروی کهن، فصل مشترک برهم نشست سه لایه مهم شهر یعنی بخش قدیم، توسعه یافته، و شبکه راه‌ها بوده است. احداث دروازه‌های باروی نجف‌قلیخانی در مجوارت موضع دروازه‌های باروی کهن، بیان‌گر استمرار به‌کارگیری سنت خواناسازی شهر بر مبنای نشانه‌های قراردادی ثبت شده در حافظه تاریخی شهر است. بدین ترتیب با عدم تغییر در موضع دروازه‌های تاریخی شهر تبریز طی هزاره اخیر، می‌توان گذرهای واقع در محدوده شهر قدیم (داخل شهر) - که ضمن منتهی



تصویر ۳. طرحی شماتیک از ساختار فضایی شهر تبریز تا اواسط قرن هشتم هجری که محدوده باروی غازانی و پنج دروازه اصلی آن، محوطه شهر قدیم، شهرک‌های غازانیه و ربع رشیدی، و ابواب البرها در نقشه مشخص شده‌اند. مأخذ: محمدمرادی و جعفرپور، ۱۳۹۲: ۹۹.

- افشار، ایرج. (۱۳۵۴). وقفیه ابواب البر خواجه شیخ غیاث‌الدین محمد کججی. سالنامه فرهنگ ایران زمین، (۲۱): ۲۰۸-۱۶۹.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۳۷). فتوح البلدان (تألیف: ۲۶۵ ه.ق.). ت: محمد توکل. تهران: نشر نقره.
- بناکتی، داود بن محمد. (۱۳۴۸). تاریخ بناکتی (تألیف: ۷۱۷ ه.ق.). تصحیح: جعفر شعار. تهران: انجمن آثار ملی.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰). تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار. تهران: آرمانشهر.
- تهرانی (فخاری)، فرهاد، پارسی، فرامرز و بانی‌مسعود، امیر. (۱۳۸۵). بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- حشری تبریزی، محمدامین. (۱۳۷۱). روضه اطهار (تألیف: ۱۰۱۱ ه.ق.). تصحیح: عزیز دولت‌آبادی. تبریز: ستوده.
- رئیس‌نیا، رحیم. (۱۳۷۹). آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام. تهران: مینا.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۶). تبریز: خشتی استوار در معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کاشانی، عبدالله بن علی. (۱۳۸۴). تاریخ اولجایتو (تألیف: ۷۱۷ ه.ق.). (۱۳۸۴). تحقیق: مهین همبلی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- کربلانی تبریزی، حافظ حسین. (۱۳۸۳). روضات الجنان و جنات الجنان (تألیف: ۹۷۵ ه.ق.). تصحیح: جعفر سلطان‌القرائی. تبریز: ستوده.
- کسروی. احمد. (۱۳۷۹). شهریاران گمنام. تهران: نگاه.
- محمدمرادی، اصغر و جعفرپور ناصر، ساناز. (۱۳۹۲). بررسی روند توسعه شهری طی شهرسازی ایلخانی با تحلیلی بر توسعه شهری تبریز. نشریه انجمن معماری و شهرسازی ایران، (۶): ۱۰۲-۸۹.
- مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. (۱۳۸۱). نزهة القلوب (تألیف: ۷۴۰ ه.ق.). تحقیق: محمد دبیرسیاقی. قزوین: حدیث امروز.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۶۸). زمین‌لرزه‌های تبریز. تهران: کتاب‌سرا.
- مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۶۹). تجارب الامم (تألیف: ۳۷۵ ه.ق.). ت: علینقی منزوی و ابوالقاسم امامی. تهران: سروش.

- مشکور، محمد جواد. (۱۳۵۲). تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. تهران: انجمن آثار ملی.
- مقدسی، محمد بن احمد. (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (تألیف: ۳۷۵ ه.ق). ت: علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۳۷). تاریخ تبریز، ت: عبدالعلی کارنگ. تهران: کتابفروشی تهران.
- ناصر خسرو قبادیانی مروزی، ابومعین حمیدالدین. (۱۳۶۳). سفرنامه (تألیف: ۴۴۴ ه.ق). تحقیق: محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.
- وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله. (۱۳۸۸). تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار/ تاریخ وصاف (تألیف: ۷۱۶ ه.ق). تصحیح: ایرج افشار، محمود امیدسالار، و نادر مطلبی کاشانی. تهران: طلایه.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۶۸). تاریخ مبارک غازی: داستان غازان خان. تصحیح: کارل یان. اصفهان: نشر پرسش.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۵۶). وقفنامه ربع رشیدی (تألیف: ۷۰۹ ه.ق). تصحیح: مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۸۰). معجم البلدان (تألیف: ۶۲۵). ت: علینقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

جعفرپور ناصر، ساناز. ۱۳۹۷. بررسی محدوده باروی قدیم شهر تبریز با استفاده از منابع تاریخی. باغ نظر، ۱۵ (۶۲): ۴۶-۳۷.

DOI: 10.22034/bagh.2018.66284

URL: http://www.bagh-sj.com/article_66284.html

